

یک اتفاق ساده

سطل‌هایی برای شفافیت



کیوان کتیریان

● جای شگفتی است که دل‌پایسان جعلی، مسائل سینما را به تغییر یک نام تقلیل داده‌اند و گروهی از سر ناآگاهی در این زمین باتلاقی بازی می‌کنند. عجیب است کسانی که باید بابت خرابکاری‌ها و فجایعی که در سینما به بار آوردند محاکمه شوند، سردمدار دفاع از سینما شده‌اند و خیلی‌ها یادشان رفته چه افتضاحتی در دولت قبل در حوزه سینما به بار آمده بود. شگفت‌آور است که دل‌پایسان روی فراموشکاری و ضعف حافظه تاریخی سینمادوستان و مردم ایران زیاده از حد حساب کرده‌اند. جواد شمقدری خود را جای افکار عمومی گذاشته و بی‌بینه می‌دهد و پادش رفته که همراهان سینماگرش در دوره مدیریتش کمتر از انگشتان یک دست بودند و با رفتش موجی از شعف و شادمانی سینما را فراگرفت. حالا سردمدار دل‌پایسان جعلی سینما که روزگاری در زمان مناظره‌ها دست رئیس‌جمهور وقت را می‌بوسید و در سفرهای اخیر رئیس‌جمهور پیشین نقش فیلم‌بردار را بازی می‌کرد، سودای بازگشت در سر می‌پروراند. او که وردست صاحب نظریه مکتب ایرانی بود و در کنارش باافتخار عکس یادگاری می‌گرفت، حالا با نام ایران علم مخالفت افراشته است و داد «وافجرا» سر داده است. واقعیا! با رئیس اسبق یکی از صنوف سینمایی و عوامل اصلی تعطیلی خانه سینما بود، پس از مدت‌ها سرر از لاک بیرون آورده و پشت‌سرهم درباره صنف و جشنواره ایران و مسائل سینما به سود دل‌پایسان صحت می‌کند و همچنان به بازی دوطرفه ادامه می‌دهد و مقصران اصلی وضعیت فعلی، بی‌شک و مستقیما وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و معاونت سینمایی هستند. حالا که در حوزه سیاست و اقتصاد، کار رسیدگی به تخلفات متهمان به فساد و اجرای حکم آنان - در هر پست و جایگاهی- به روالی پذیرفتنی، تبدیل شده است، چرا در حوزه سینما نباید این اتفاق بیفتد؟ چرا سازمان سینمایی با اغماض و چشم‌پوشی با متخلفان گذشته برخورد می‌کند؟ چرا شفاف‌سازی را در دستور کار قرار نمی‌دهد؟ چرا با مسکوت‌گذاشتن تخلفات عجیب‌وغریب گذشته، موجبات جری‌شدن و سوءاستفاده کسانی را فراهم آورده که به‌جای شرمندگی حالا باید با فرار به جلو برای همگان تعیین‌تکلیف کنند؟ این تبصره که قرار نیست در دولت فعلی مثل قبلی‌ها بکم‌بکم رگ‌ها ببندازیم، تا جایی کاربرد دارد که باعث سوءاستفاده متخلفان و آسودگی خاطر آنان نشود. پس متخلف، کی و طی چه پروسه‌ای باید تاوان عملکردش را پس بدهد؟ اگر این‌طور باشد که هیچ خطاکاری خود را در معرض خطر نمی‌بیند و تازه، در وسط میدان، رجز می‌خواند و بانگ «هل من مبارز» سر می‌دهد. عکس‌های مشهوری از سیاست‌مداران و مدیران متخلف و مختلس‌الوکران در فضای مجازی دست‌به‌دست می‌شود که مردم آنها را در سطل زباله انداخته‌اند و آنها را به نهایت شرمندگی مجبور کرده‌اند. اگر قرار است شفافیت در دستور کار قرار بگیرد و هرکس تاوان کارش را پس بدهد، وجود این سطل‌های زباله می‌تواند موجب شود لاقال بعضی‌ها دست‌پایشان را جمع کنند و دست‌کم از افشای خرابکاری‌هایشان شرمندہ باشند.

تماشاخانه

«کالیگولا»

سرانجام به‌وحدت می‌رود

● شرق: اجرای نمایش «کالیگولا»، به کارگردانی همایون غنی‌زاده که پس از رفع مشکلات سالن «هما»، قرار بود در همان سالن، اجراهای خود را از سر بگیرد، به تالار وحدت منتقل شد. پس از بروز برخی مشکلات برای اجرای نمایش «کالیگولا» که سالن تازه‌تأسیس «هما»، دست‌اندرکاران این نمایش تصمیم گرفتند، اجرای خود را در تالار وحدت دنبال کنند. روزالدین حیدری‌ماهر، مدیر تولید نمایش «کالیگولا»، با تأیید این مطلب به ایسنا گفت: «کالیگولا» از امروز، هشتم شهریور، در تالار وحدت اجرا می‌شود و فروش این نمایش هم از طریق سایت تیوال انجام خواهد شد. کسانی که در چندروز اجرائشدن این نمایش، بلیت پیش‌خرید کرده بودند می‌توانند هر زمانی را که مدنظر دارند، انتخاب کنند و با رعایت تمام حق و حقوقی که در انتخاب ردیف صندلی‌ها داشته‌اند به همان شکل امکان تماشای این نمایش را در تالار وحدت خواهند داشت. ساعت اجرای «کالیگولا» در تالار وحدت با توجه به شرایط زمانی خاص این مجموعه به ساعت ۱۷:۳۰ تغییر پیدا کرده است. حیدری‌ماهر درباره مسائلی که برای سالن «هما» پیش آمد و منجر به توقف چندروزه اجرای نمایش «کالیگولا» هم شد، توضیح داد: مشکلات این ساختمان حل شده و در حال طی مراحل اداری هستیم. باین‌حال موقعیتی پیش آمد که «کالیگولا» را در تالار وحدت اجرا کنیم و پس از پایان مدت‌زمان اجرا به سالن هما برمی‌گردیم.

شرق: رویدادهای یک‌سال گذشته درمهم‌ترین حوزه تمدنی شرق که برخی از دانشمندان آن را گهواره تمدن می‌نامند، واکنش‌های اندکی را در پی داشته است؛ شاید چند خطی از طرف سازمان‌های مرتبط با میراث جهانی، اما این تمام ماجرا نیست؛ تخریب و غارت گسترده و سازماندهی‌شده سایت‌های باستانی و اماکن مقدس در دو کشور عراق و سوریه توسط گروه داعش همچنان ادامه دارد. جهان نیز با چشمانی باز/ بسته به این فاجعه می‌نگرد. حال با شدت‌گرفتن این فجایع به‌ویژه غارت و تخریب بخش‌هایی از محوطه باستانی پالمیرا (متعلق به هزاره دوم قبل از میلاد) برای نخستین‌بار گروهی از هنرمندان و فعالان حوزه فرهنگ ایرانی دست به انتشار بیابانه اعتراضی در این زمینه زده‌اند. این حرکت توسط نیما زاغیان به‌عنوان طراح و کیوریتور ارائه شده و با همکاری علیرضا امیرحاجی، هنرمند مفهومی، به سرانجام رسید. این بیابنه تحت عنوان «آنتی- داعش؛ همبستگی هنرمندان در اعتراض به تخریب میراث باستانی بشری»، سندی خواهد بود بر نگرانی گروهی از فعالان فرهنگ و هنر ایران که به افکار عمومی جهان هشدار و بیدارباشی جدی می‌دهد تا به هر طریقی باعث اعتراض سراسری جهانی شود. این پروژه بخش‌های اجرایی نیز خواهد داشت که به‌زودی جزئیات آن منتشر می‌شود. متن بیابنه جمعی از هنرمندان و فعالان عرصه فرهنگ در اعتراض به تخریب اماکن باستانی سوریه و عراق توسط داعش: «همه می‌دانند داعش چیست. همه می‌دانند که او آدمکش است؛ یک ماشین قاتل که روش‌های خودنماییانه و نفرت‌انگیزی برای کشتار و شکنجه به کار می‌برد. اما شاید همه ندانند که عملکرد آن تنها محدود به قتل‌عام نیست؛ داعش دشمن تاریخ است؛ دشمن تاریخ اندیشه، تاریخ هنر، تاریخ زیبایی، تاریخ زبان. در یک کلام او دشمن میراث بشری است. مآلها را همگان از رویکرد خصمانه داعش آگاهاند و هر کس به فراخور توان ذهن یا حنجره‌اش، صدای مخالفت‌اش را بلند

شرق: روایت‌ها از آخرین واکنش‌های جهانی به فیلم مجیدی متفاوت است. از یک‌سو نشریات‌که به‌بیشتر آنها اروپایی هستند، با نگاه مثبت «محمد رسول‌الله(ص)» را ارزیابی کرده‌اند اما یک قاره آن‌سو، نشریات و سایت‌های کانادایی دیدگاه دیگری داشته‌اند.

فیلم «حضرت محمد(ص)»، به کارگردانی مجید مجیدی این‌روزها در حال اکران است. این اثر به‌طور هم‌زمان در ۴۰ سینمای ایران و ۹۸ سینمای شهرستان‌ها در روز پنجشنبه، پنجم شهریور به نمایش درآمد و هم‌زمان، پخش جهانی فیلم نیز با نمایش در مراسم افتتاحیه سی‌ونهمین جشنواره فیلم مونترال آغاز شد. مجیدی، تهیه‌کننده و تعدادی از بازیگران فیلم این نمایش در افتتاحیه به مونترال کانادا سفر کرده‌اند و روی فرش قرمز جشنواره نیز رفته‌اند. دراین‌میان رسانه‌هایی همچون «لیبراسیون» و سایت «لدووا» به تمجید از این فیلم پرداختند و عنوان کردند که اثر مجیدی با ارائه تصاویر زیاد، بازیگری حرفه‌ای و جلوه‌های ویژه مخاطب را جذب می‌کند. همچنین گاردین در بررسی فیلم حضرت محمد(ص) به این موضوع اشاره کرده است که اولین‌بار نیست که فیلمی در مورد پیامبر اسلام(ص) ساخته می‌شود و مصطفی عقاد در سال ۱۹۷۷ هم فیلمی با این موضوع ساخت. منتقد گاردین به این فیلم جرات ستاره داده و اشاره به هزینه ۴۰ میلیون دلاری ساخت فیلم مجیدی و به‌کارگیری عواملی که در سینمای جهان شناخته‌شده هستند، عنوان کرده است که «محمد رسول‌الله(ص)» فیلم مذهبی‌تری است و انتظار می‌رود کسانی را هم که شناخت چندانی با تاریخ اسلام ندارند، جذب کند. در پایان همچنین آمده است: «این فیلم به طرز روشنکردنی صادق، متعهد و شاعرانه است اما بیایید آرزو کنیم که هیچ‌وقت لازم نباشد آن را شجاعانه توصیف کنیم».

به گزارش مهر، منتقد هافینگتونپست فرانسوی (نسخه کبک) نیز نوشت: «فیلمی که شب پیش سی‌ونهمین جشنواره فیلم مونترال را افتتاح کرد، به کارگردانی مجید مجیدی، فیلمی رمانتیک، تاریخی است که چون یک نقاشی دیواری باشکوه بر کودکی حضرت محمد(ص) تمرکز دارد. این‌سن محصول سه‌ساعته، یادآور فیلم‌های اسطوره‌ای مذهبی دهه

بهناز شیربایی: فیلم سینمایی «تابو»، به‌کارگردانی خسرو معصومی، تنها نماینده ایران در بخش مسابقه اصلی جشنواره مونترال است؛ فیلمی که سال گذشته هیأت انتخاب آن را واجد حضور در جشنواره فجر ندانستند و مشخص نیست این فیلم سینمایی به اکران خواهد رسید یا خیر. ۹ و ۱۳ شهریور «تابو» نمایش‌هایی در جشنواره مونترال خواهد داشت و خسرو معصومی با تازه‌ترین اثر سینمایی‌اش در این جشنواره حضور دارد. به همین بهانه با معصومی گپ‌وگفتی داشتیم:

● «تابو» نخستین حضور بین‌المللی‌اش را با جشنواره مونترال تجربه می‌کند. به‌هرحال این فیلم مدت‌هاست که در گِردوار مشکلات عجیبی است و تکلیف نمایشش در ایران نامشخص است. حضور فیلم در جشنواره مونترال را چگونه ارزیابی می‌کنید؟
حرف‌های من است که تا به امروز سعی کرده‌ام درباره «تابو» و مشکلاتش حرف ن‌زنم اما چاره‌ای هم نیست. به این دلیل که گروهی وقت و انرژی گذاشته‌اند و در کنار هم فیلمی ساخته‌اند که حاصل کار و زحمتشان دیده نشده است و خوشحالم که در جشنواره مونترال حضور دارد. بارها از هیأت انتخاب جشنواره که سال گذشته فیلم من را نادیید گرفته‌اند گله کرده‌ام. هنوز هم نمی‌دانم دوستان با فیلم

اعتراض گروهی از فعالان هنر به تخریب میراث جهانی



می‌کند. اما یک پرسش: تفاوت هنرمند با دیگران در این اعتراض چیست؟ امروز عزم راسخ داعش برای نابودکردن بقایای نخستین تمدن‌های بشری در بین‌النهرین، خط تفکیک آن از سایر مردم‌کشان و جانیان جهان است، سماجاتی مخرب که چنان تکان‌دهنده و دهشت‌بار است که نمی‌توان خاموش ماند. تردیدی نیست که آنچه هنر معاصر را ساخته و پرداخته است، پیشینه ذهن خلاق بشر روزگار باستان و میراثی است که از دستکار او بازمانده است؛ هنر امروز ما به‌رغم تمام تفاوت‌هایش، ریشه در میراث باستانی بشر دارد؛ از الواح سومری در درازه‌های بابلی، از بناهای شوگومند پالمیرا تا تندیس‌های شگرف آشوری و…

شاید پاسخ آن پرسش در همین میراث بشری و در همان خوی تخریبگر داعش است؛ شاید زمان آن باشد که هنرمندان معاصر واکنشی متفاوت از خود نشان دهند و به اعتراضی فعال علیه داعش بپردازند؛ نه داعش، بلکه هر آنچه و آنکه میراث تمدن بشری را هدف قرار داده است. شاید پالمیرا و سومر و آکد و آشور و بابل مثنی سنگ و خشت به نظر آیند که



هم‌زمان با حمله رسانه‌های کانادا به فیلم مجیدی صورت گرفت

انتقادشهردارمونترال به جشنواره

۱۹۵۰ است که همه احساسات خوب را منعکس می‌کردند. ساخت فیلمی درباره پیام‌آور اسلام همیشه دشوار است زیرا مسلمانان سنی با این کار مخالف هستند و همین فیلم نیز با این مشکلات روبه‌رو شده است. گرچه مجیدی باور دارد که توانسته هم شیعه هم سنی را راضی کند اما باید گفت این تلاش چندین موفق ندرده است چون درعین‌حال که با پیامبر اسلام را از پشت‌سر می‌بینیم، با موهایی که در باد تکان می‌خورد، باورهای شیعی را می‌توان در فیلم بیشتر دید».

نویسنده این مطلب نوشته است: «وقوع معجزات مکرر، مسئله شهادت و پیامبری که به‌نوعی از نظر ظاهر یادآور مسیح است، در مکتب فکری سنی قابل‌قبول نیست. از این زاویا باید گفت فیلم به‌نوعی با رویکرد تبلیغی ساخته شده است. درعین‌حال سرژ لوسیک، مدیر و بنیان‌گذار این جشنواره توضیح می‌دهد که نقش این جشنواره نمایش فیلم‌هایی است که نظری ترویجی نداشته باشند و در ورای همه نقطه‌نظرات از انسانیت و تعهد و شاعرانه است اما کنند. از این زاویه مجید مجیدی از زمانی که سه جایزه بزرگ از آمریکا گرفت، به‌عنوان چهره‌ای شناخته‌شده برای جشنواره فیلم مونترال درآمده است».

خسرو معصومی، کارگردان «تابو»

به اسم جوان گرایی به شعور من توهین شد

علاقه‌مند هستید پیش از حضور بین‌المللی فیلم، «تابو» در ایران نمایش داده شود.

بله. عجیب است فیلمی که برخی تصور می‌کنند به‌دلیل کیفیت پایین در جشنواره فیلم فجر حضور نداشت، در بخش اصلی جشنواره مونترال پذیرفته می‌شود و بعد از این جشنواره راهی سانسفاسکو و چلسی می‌شود. سوالاتم زحمات کشید که با من در این فیلم همکاری کردند در جشنواره فیلم فجر دیده می‌شد. کمیته هیأت انتخاب جشنواره فیلم فجر به اسم جوان‌گرایی به شعور من توهین می‌کرد. در صورتی که سینماگر هرچه سن‌وسالش بیشتر می‌شود، به همان اندازه تجربیاتش بیشتر می‌شود. گاهی با خودم فکر می‌کنم اگر این انتخاب‌هایی بین‌المللی نبود باید دور سینمای

در زندگی بشر امروز انگار تأثیری ندارند و شاید حتی به‌سادگی بتوان چشم بر واقعیات فروبوشید و گفت؛ حتی خود هنر هم تأثیر ظاهری چندانی بر زندگی امروز ندارد؛ اما هنرمندان و اندیشمندان به ضرورت پشتیبانی از این میراث باستانی نیک آگاه‌اند؛ اینجاست خطی که هنرمند را از سایرین جدا می‌سازد و جهت‌گیری و اعتراض‌اش را نیز حتی متفاوت می‌نمایاند. امروز هنرمندان و اندیشمندانی که امضایشان در پای این متن است، به‌صورتی نامدین اعلام می‌کنند که به این تخریب گسترده و دهشتناک اعتراض فعال داشته و خواهند کوشید اعتراض‌شان همراه با کنش ایجابی (و نه واکنش سلبی)، گامی در جهت جبران این خوی ویرانگرانه باشد. امید که کنشگری هنرمندان، با گام‌هایی عملی همراه باشد تا دست‌کم این نابودی نادیده انگاشته نشود. امضاکندگان این بیابنه عبارت‌اند از:

آیدین آغداشلو، پرویز تالابی، کورش شیشه‌گران، کامران عدل، کامبیز درمخش، الف‌رعد یعقوب‌زاده، گیلزا وارگا سینیایی، اکبر عالمی، نادر شایخی، واحد خاکدان، حجت شکیا، بهروز بقایی، جمشید بایرامی، حسن معجونی، سمین کرامتی، سمیرا علیخانزاده، شهرام کریمی، امیر اثباتی، کریستف رضاعی، مهناز افضلی، گیتا کرگانی، سیامک فیلی‌زاده، واهیک هارتونیان، افشین ناغونی، ماهان مؤمنی، داوود شهیدی، ترانه خسروشاهی، امیر راد، نزار موسوی‌نیا، مهسا ملک‌مربان، شبنم سعادت، لیلا وارسته، هستی هیچ، هاجر سعیدی، داوود احمدی‌مونس (آروپین)، مونا زاهد، نغمه اصلانی، دلبر شهزاد، مژگان قدوسی، آرش زاهدی، هادی حیدری، صفا عبدالرضا، آرش دیالهی، شهناز زهتاب، ساشا ریاحی‌مقدم، بهروز امیری‌راد، جاهد سربلند، بهارک شمس‌الدین، آسیه سلیمیان، پریا فام، رها شریفی، آناهیتا عاصیان، ساره موسوی‌پور، سالی شریفی، لیلا معظمی، سارا نیروبخش، فرشید پارسی‌کیا و آنیما احتیاط.

ترتیب اسامی برمبنای زمان اخذ امضا درج شده است.

نداشته است. آن‌طور که «لوپرس» گزارش داده، شهردار مونترال درحالی‌که در مراسم افتتاحیه حضور داشته و در مقابل در سالن برپایی مراسم ایستاده بوده، برای نمایش فیلم به داخل سالن ترقه و گفته است که «امروز بیست‌وهفتمین سالگرد ازدواج من است و به همین دلیل به‌جای تماشای فیلم باید به مراسم سالگرد ازدواجم بروم.» از صحبت‌های شهردار مونترال چنین می‌توان نتیجه گرفت که او خواهان تغییرات در جشنواره است و از شکست این جشنواره نگران است. او به لوپرس گفت: «مونترال برای من پایتخت سینماست و این جشنواره پایتخت سینمای کانادا. ما باید کار ویژه‌تری انجام دهیم و دنبال راه‌حل باشیم. برای بازگرداندن این جشنواره به جایگاه خود باید با رئیس جشنواره صحبت کنم».

این سایت در ادامه ضمن اشاره به استقبال پایین مردم از فیلم در مراسم افتتاحیه آورده است: «استقبال از این فیلم در جشنواره راضی‌کننده نبود، خیلی از صندلی‌ها خالی بودند. این که خشم مسلمانان را برانگیخته، توسط دولت ایران حمایت شده است. هم‌زمان با نمایش فیلم در افتتاحیه، گروهی از مسلمانان افراطی در دو خیابان «سن‌کاترین» و «دوبلوری» مونترال تجمع و خشمشان را از این فیلم ابراز کردند. اعتراض آنها به نمایش چهره حضرت محمد(ص) در فیلم بوده است.» ماکسیم دومر، نویسنده نشریه «ژورنال دو مونترال»، هم درباره نمایش فیلم محمد(ص) به‌عنوان فیلم افتتاحیه جشنواره نوشته است: «توافقی بر سر فیلم افتتاحیه وجود نداشت و همه در این زمینه متفق‌القول نبودند. این فیلم از نظر سینمایی، جز چند صحنه فوق‌العاده و بازسازی‌های باشکوه، جذابیت دیگری نداشت».

«لوپوئن» نیز در تحلیل خود از فیلم مجیدی با تیتَر «فیلم موفقیت‌آمیز در ایران، جنجال‌برانگیز در مونترال» چنین عنوان کرده است: «این فیلم، یک اثر تبلیغاتی است و اکران آن در جشنواره مونترال باعث تبلیغات بیشتر آن می‌شود. اعتراض‌هایی به فیلم شد و مجیدی اعتراض‌ها را نادیده و به پاسخ در جنبه تبلیغاتی فیلم گفته است که دین ما دین صلح است و ما این فیلم را ساختیم تا بیشتر دین اسلام و پیامبران را معرفی کنیم».

چهره روز

شجریان در بیمارستان

وضعیت جسمی استادخوب‌است



● شرق: وضعیت جسمی محمدرضا شجریان که به دلیل ابتلا به آنفلوئزا از سه‌روز پیش در بیمارستان بستری شده، رو به بهبودی است. حوالی ظهر دیروز، هفت‌شهریور خبری در شبکه‌های اجتماعی دست‌به‌دست شد؛ «استاد شجریان در بیمارستان بستری است». تلاش خبرنگار «شرق» برای ملاقات با استاد شجریان در بیمارستان ناکام ماند. پشت در اتاق او نوشته شده بود: «ملاقات ممنوع». خانواده و همراهان شجریان نیز، برای پرهیز از نگران‌شدن هواداران خسرو آواز ایران، تمایلی به درج خبر بیماری او در رسانه‌ها نداشتند. درعین‌حال، تعدادی از خبرگزاری‌های رسمی، ظهر دیروز خبر بستری‌شدن شجریان را منتشر کردند. طبق شنیده‌های خبرنگار «شرق» که از همراهان این خواننده به دست آمده است، او به دلیل آنفلوئزا از سه‌روز پیش در بیمارستان بستری شده و حالتش رو به بهبودی است. همچنین روز گذشته در نشست خبری جشنواره موسیقی جوان اعلام شد که شجریان، شهرام ناظری و موسیقی‌دان‌های ایرانی، دایوری بخش آواز این جشنواره را انجام خواهند داد: «استادان صاحب مکتب بخش آواز، بخش آواز این جشنواره را دایری خواهند کرد. محمدرضا شجریان، شهرام ناظری، نصرالله ناصح‌پور، رامبد صدیدف و علی اصغر شاه‌زبیی داوران این بخش هستند. فراخوان هم زیر نظر همین استادان اعلام شد». همچنین اخبار اعلام شده بود محمدرضا شجریان بناست روز ۱۳ شهریور (چهارم سپتامبر) در استانبول ترکیه کنسرت داشته باشد که هفته گذشته خبر لغو این کنسرت منتشر شد. پس از انتشار این خبر، گفته شد شجریان با ۴۰ روز تأخیر در «قونیه» به اجرای برنامه خواهد پرداخت و «تور جهانی سرکشگان» را در این شهر براساس ساخته‌هایی از خودش، سعید فرج‌پوری و مجید درخشانی روی صحنه خواهد برد.

زیر آسمان فیروزهای

ارکستر آلمانی به ایران نمی‌آید

● شرق: در شرایطی که حضور ارکستر آلمانی در ایران، خشم اسرائیل را برانگیخته بود، سخنگوی وزارت ارشاد نیز از منتفی‌شدن حضور این ارکستر در تهران خبر داد. پس از انتشار خبر خشم اسرائیلیان از حضور این ارکستر در تهران، نوش‌آبادی، سخنگوی وزارت ارشاد، در گفت‌وگو با فارس گفت: «در راستای تبادل فرهنگی- هنری مابین کشورها، قرار بود ارکستر آلمانی به تهران سفر کند و اجرایی را در تالار وحدت روی صحنه ببرد، اما وقتی معلوم شد برخی از رهبران و مسئولان این ارکستر هویت اسرائیلی دارند، بلافاصله با این موضوع برخورد شد و این ارکستر اجازه اجرا در ایران را نخواهد داشت.» سخنگوی وزارت ارشاد ادامه داد: «شخص جناب وزیر این موضوع را پیگیری کردند و اجازه ورود این ارکستر آلمانی را ندادند و قطعا این سفر انجام نخواهد شد. جمهوری اسلامی، نه این رژیم را به رسمیت می‌شناسد و نه با هنرمندان آنها همکاری می‌کند. البته درخواست برگزاری این کنسرت از طرف ایران نبوده و گروه آلمانی داوطلبانه درخواست اجرا داشته‌اند. وزارت ارشاد هیچ دعوتی از این‌گروه برای حضور در ایران نکرده است».

دانیل بارن‌بویم، پیانیست و رهبر این ارکستر است که تابعیت اسرائیلی دارد. او در سال ۱۹۴۲ در آرتانتین متولد شد و در کودکی همراه خانواده‌اش به اسرائیل مهاجرت کرد. بارن‌بویم علاوه بر داشتن گذرنامه اسرائیلی، تابعیت اسپانیایی، آرژانتینی و فلسطینی نیز دارد و عقایدش ضدصهیونیست است. همچنین علی رهبری، رهبر ارکستر سمفونیک تهران که هم‌اکنون در وین به سر می‌برد، درباره حضور ارکستر آلمان در تهران به سایت «موسیقی ماه» گفت: ابتدا این ارکستر زمانی را برای اجرا در تهران مقرر کرده بود، اما بعدا به ما اعلام کردند این زمان به تعویق افتاده است. من دلیل این تعویق را نمی‌دانم. اما قرار است زمان تازه‌ای را برای حضور در تهران به ما اعلام کنند.

رهبر ارکستر سمفونیک تهران در پاسخ به این سؤال که آیا «دانیل بارن‌بویم» رهبر ارکستر آلمان تابعیتی آلمانی- اسرائیلی دارد یا خیر، گفت: من در این‌باره اطلاع دقیقی ندارم، اما تا آنجایی که من می‌دانم ایشان هم شهروند اسرائیل هستند و هم شهروند فلسطین. آنچه قطعا می‌دانم این است که او رهبر ارکستری معروف و جهانی است که در یک ارکستر معتبر وظیفه رهبری را بر عهده دارد.